



حجت‌الله رحمانی

شفاعت اولیای

الهی در روز

قیامت برای

گناهکاران، بدون

حساب نیست؛ بلکه

متوقف بر شرایطی

است که در همین

دنیا باید آن را به

دست آورد. در

آیات و روایات،

شفاعت برای هیچ

فرد یا گروهی

تضمین نشده است؛

بلکه صفات و

ویژگی‌های کلی

کسانی که از این

نعمت بهره‌مند و یا

محروم‌اند، بیان

شده است

«شفاعت» در لغت در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ همچون: دعا برای مؤمنان، صلح میان دو نفر، زوج، زیاد کردن، یاری کردن کسی که خواستار چیزی باشد و منضم شدن کسی به دیگری برای یاری دادن و برآوردن خواسته‌ها.

شفاعت به طور کلی به معنای «وساطت یک موجود میان خداوند متعال و موجود دیگر است» و یا به بیان دیگر به معنای «وساطت یک مخلوق میان مخلوق دیگر است، چه در این دنیا و چه در قیامت، چه در اصل وجود، چه در برگشت وجود».

اگر بخواهیم به نتیجه‌ای درست در مورد شفاعت از دیدگاه قرآن کریم برسیم، باید مجموع آیات مربوط به آن را بررسی کنیم. استناد به بعضی آیات و نادیده گرفتن برخی دیگر، منجر به فهم نادرست و برداشت غیرقابل اعتماد خواهد بود. مجموع آیات قرآن در زمینه شفاعت - به معنای واسطه شدن در رسیدن فیض الهی به مخلوقات - سه دسته است:

دسته اول: آیاتی که به کلی شفاعت را نفی می‌کند: **يَوْمَ لَا يَنفَعُ فِيهِ وَلَا حُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ** بقره/۲۵۴؛ روزی که نه خریدی در آن هست و نه دوستی و نه شفاعتی.

دسته دوم: آیاتی که شفاعت را فقط از آن خدا دانسته است: **قُلْ لِلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعاً** زمر/۲۴؛ بگو تمام شفاعت یکسره برای خدا است.

دسته سوم: آیاتی که شفاعت را با شرایطی برای غیر خدا اثبات می‌کند: **يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا** طه/۱۰۹؛ در آن روز شفاعت کسی سود نمی‌بخشد، مگر آن کس که خدای رحمان به او اذن دهد و سخن او را پسندد.

جمع بین این سه گروه از آیات به این گونه است که دسته

اول، بیانگر این است که شفاعت مستقل برای غیر خدا وجود ندارد. دسته دوم، به قرینه آیات دسته اول و سوم، نشانگر نفی شفاعت به صورت استقلالی است. مفاد این گونه آیات، این است که اسباب و وسایط با قطع نظر از اراده و مشیت الهی، هیچ گونه تأثیری ندارند و در حقیقت تنها شفاعت کننده حقیقی و مستقل خداست. دسته سوم، اثبات‌کننده شفاعت در برخی موارد برای غیر خداست که البته این آیات، شرایطی را برای شفاعت کننده، شفاعت شونده و محدوده و میزان شفاعت بیان می‌دارد.

شرایط شفاعت

شفاعت اولیای الهی در روز قیامت برای گناهکاران، بدون حساب نیست؛ بلکه متوقف بر شرایطی است که در همین دنیا باید آن را به دست آورد. در آیات و روایات، برای هیچ فرد یا گروهی تضمین نشده است که حتماً مورد شفاعت قرار می‌گیرند؛ بلکه صفات و ویژگی‌های کلی کسانی که از این نعمت بهره‌مند و یا محروم‌اند، بیان شده است. بر اساس آیات و روایات، بنده گناهکار، با شرایط زیر مشمول شفاعت می‌شود:

۱. اذن خداوند برای شفاعت کننده: **يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ**

إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا طه/۱۰۹؛ در آن روز، شفاعت کسی سودمند نیست، مگر آن کسی که خدای رحمان به او اجازه دهد.

۲. شفاعت کننده باید گفتارش مورد رضایت خداوند باشد: **يَوْمَئِذٍ لَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا ... وَ رَضِيَ لَهُ قَوْلًا** طه/۱۰۹؛ در آن روز، شفاعت کسی سودمند نیست، مگر آن کسی که ... از گفتار او راضی باشد.

۳. رضایت از شفاعت شونده: **وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ ارْتَضَى**

انبیاء/۲۸؛ و [شفیعان] شفاعت نمی‌کنند، مگر برای کسی که مورد



رضایت و پسند خداوند باشد.

۴. عمل به دستورهای دینی: *فِي جَنَاتٍ يَسَاءَلُونَ عَنِ الْمُجْرِمِينَ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَعَتٍ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ وَنَمْ نَكُمُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ وَكُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ وَكُنَّا نَكُذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ حَتَّى آتَانَا الْيَقِينَ فَمَا تَنفَعُهُمْ شَفَاعَةُ الشَّافِعِينَ* مدثر/۴۸:۴۰؛ از اهل دوزخ سؤال می‌کنند: چه چیزی شما را جهنمی کرد؟ گویند: ما از نمازگزاران نبودیم، و بینوا را اطعام نمی‌کردیم، و با اهل باطل، همراه و همصدا بودیم، و روز پاداش را دروغ می‌انگاشتیم؛ تا اینکه مرگ ما فرا رسید. پس شفاعت شافعان به حال آنان سودی نمی‌بخشد.

برخی از شفاعت کنندگان

با استفاده از روایات، برخی از شفاعت کنندگان در قیامت از این قرارند:

۱. امامان معصوم؛
۲. عالم دینی برای کسانی که با هدایت او ره یافته‌اند؛
۳. قاری قرآنی که به آیات نورانی آن عمل می‌کند.

بررسی دو شبیه

۱. یکی از شبهات در مورد شفاعت که گاهی در جامعه شنیده می‌شود، این است که آیا شفاعت موجب جرئت پیدا کردن برای گناه کردن نمی‌شود؛ به این معنا که انسان به امید شفاعت به انجام گناهان جرئت پیدا می‌کند؟

پاسخ: در پاسخ به این پرسش دقت در دو موضوع مهم است: یکی اینکه اگر شفاعت باعث جرئت بر گناه بشود، به طریق اولی توبه نیز باید باعث جرئت بر گناه باشد؛ در حالی که کسی این مطلب را در مورد توبه بیان نمی‌کند. مطلب دیگر اینکه همان گونه که در پرتو آیات نورانی قرآن کریم روشن شد، شفاعت بی‌قید و شرط نیست تا شامل هر کسی با هر شرایطی و با هر گناهی شود؛ بلکه در آیات نورانی قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام شرایطی برای شفاعت بیان شده که دست‌یابی این شرایط خود زمینه بسیار خوبی برای ترک گناهان و انجام واجبات الهی است. علاوه بر اینکه معلوم نیست که انسان یقیناً مشمول شفاعت می‌شود تا جرئت بر گناه پیدا کند.

۲. شبهه دیگر این است که آیا شفاعت، عدالت خدا را زیر سؤال نمی‌برد و به زبان امروزی نوعی «پارتی بازی» نیست؟
پاسخ: نگاه به تمام ابعاد مسئله شفاعت، حقایق را آشکار

می‌سازد که موجب روشن شدن پاسخ سؤال می‌گردد.

شفاعت یکی از مظاهر رحمت گسترده الهی است و به اراده خدا و رضایت او، شیعیان اجازه شفاعت دارند؛ یعنی بر خلاف پارتی‌بازی است که شخص مجرم واسطه‌ای پیدا می‌کند و از طریق پول و قدرت، او را وامی‌دارد تا بر قاضی و حاکم تأثیر بگذارد. در شفاعت، همه چیز تنها و تنها برخاسته از اراده حکیمانه خداوند است و او به شفیع اجازه می‌دهد تا بر اساس اراده و خواست الهی، در مورد برخی بندگان که استحقاق عفو الهی را دارند، شفاعت کند. در حقیقت شفاعت پاداش و جایزه الهی به کسانی است که در دنیا اهل ایمان و عمل صالح بوده‌اند و این بر خلاف پارتی‌بازی است که امری ناروا و ناحق است و بر پایه استحقاق افراد نیست، اما شفاعت بر مبنای استحقاق و قابلیت افراد استوار است که انسان‌ها این قابلیت را به سبب عقیده و عمل خویش در دنیا به دست آورده‌اند.

از طرفی دیگر شفاعت قانونی حکیمانه و بر اساس رحمت و فضل الهی است و مقدم بر قانون کیفر و عذاب مجرمان است. به عنوان مثال، در قوانین کشورها، طبق یک ماده قانونی، کسی که مرتکب جرم خاصی شود، باید پنج سال زندانی بکشد و طبق ماده قانونی دیگر هر مجرمی که واجد شرایط عفو باشد، قبل از تحمل دوره کامل حبس، مورد عفو قرار می‌گیرد و آزاد می‌شود. عفو چنین مجرمی، نه تبعیض است و نه نقض قانون؛ بلکه بر اساس قانون دیگری است که مقدم و حاکم بر قانون اولیه کیفر مجرمان و برخاسته از قابلیت شخص مجرم است. فرق سوم شفاعت با پارتی بازی در این جهت است که خداوند با هیچ کس رابطه خویشاوندی ندارد و بین بندگان در امکان بهره‌مندی از قانون شفاعت، تبعیضی قائل نمی‌شود. از این رو، هر انسانی قادر است با تحصیل شرایط، از شفاعت بهره‌مند شود و خود را در معرض بخشش و عفو اخروی قرار دهد. پس شفاعت، قانونی عام و فراگیر و با اعلام قبلی است، بر خلاف پارتی‌بازی که به صورت گزینشی، فردی، غیرفراگیر است و مبتنی بر پایه استحقاق نیست.

پی‌نوشت‌ها

۱. بحارالانوار، ج ۸، ص ۴۳.
۲. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۱۲۷۵، حدیث ۹۵۰۶.
۳. بحارالانوار، ج ۸۹، ص ۱۷۹.

